

لوح ناظم الحکماء قوله الاحلی :

عجب در آنست که بعضی از اهل ایران هنوز در زاویه نسیان معتکف و در خواب بی پایان مستغرق بعضی بکلی أَصَم و أَبْکَم و أَعْمَى با وجود اشراق شمس در کبد سماء سرّا در نزد بیخبران ذکر یحیی نمایند که چنین است و چنان با وجود آنکه شخص معلوم موجود و مشهود اقلا طالبان قدم رنجه فرمایند و بقبرس شتابند تا بدیده خود به بینند که در چه حال و اولاد در چه اطوار و بگوش خویش شنوند که زبان الکن و بیان بی بنیان نه نطقی نه بیانی نه حکمتی نه اسراری نه بدیع اذکاری و اگر ذهاب و ایاب نتوانند از اهل قبرس استفسار نمایند که آن نفس موهوم با وجود حرّیت معلوم چهل سال در آن جزیره آیا نفس واحدی را تبلیغ و تقلیب نموده و یا اثری از اقتدار در امری از امور نموده جمیع اهالی جزیره شهادت دهند که الکن و ابکم است لیکن نفوسی از اهل اوهام در ایران طوطی شکر شکن خوانند و ورقاء خوش الحان نامند فبئس ما اعتقدوا.

باری ذَرُّهُمْ فِي حَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ بمطلب خود پردازیم در بدایت انقلاب ایران و مغلوبیت حکمران و غلبه مشروطیت خواهان صراحة مرقوم شد که

این جمیع پریشان گردند و مقاومت نتوانند ارباب عمائم ذلیل و پیشوایان حقیر و مریدان اسیر گردند و کسی را گمان این مطلب ادا نبود صریحا مرقوم شد که هَذَا وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ وَ لَيْسَ مِنْ عِنْدِي بَلْ مِنْ لَدُنْ عَزِيزٍ عَلِيمٍ. مدتی نگذشت که این وعده مانند آفتاب واضح و آشکار گشت ولی در سیرجان جناب آقا سید یحیی را دولتیان شهید نمودند و در نی زیر میرزا حسن مجتهد خونریز ستم‌انگیز شد و فتوی بقتل یاران جمیعا داد دو نفس مقدس را شهید نمودند و اگر یاران متفرق نمیشدند کلّ طعمه شمشیر میگشتند و همچنین در سنگسر غلیانی شدید شد و ظالمان دست تطاول گشودند و بر یاران تعدّی فاحشی نمودند مرقوم گردید که بشکرانه باید خونخواهی این مظلومان شود تا ظفر مستمر گردد شیخ فضل الله شب و روز واضحا چهارا فریاد نمود که مؤسس مشروطه این طایفه مظلومه‌اند و مرادشان انتشار امر خویش در بین ناس تا بحرّیت نشر الواح نمایند و نفوس را بطرف خویش کشند این اشتها و آن اهمال سبب فتور گردید و اگر چنین نمیشد حال اقلیم ایران در نهایت اطمینان بود . و علیک البهاء الابهی.

(عبدالبهاء عبّاس)